

## چکیده

حیوانات و جانوران در آثار عرفانی کاربرد گسترده‌ای دارند که تحلیل و بررسی آنها باعث گشوده شدن بسیاری از گره‌ها و ابهامات موجود در ادبیات و حکایات می‌شود. بنابراین، سؤالات اصلی این تحقیق می‌تواند پیرامون دو محور مورد بررسی قرار گیرند که عبارت‌اند از:

۱. در مثنوی مولوی از چه موجودات و حیواناتی استفاده شده است؟

۲. هر یک از این حیوانات جدا از معنای اصلی و قاموسی خود، رمز و نماد چه چیزهایی هستند؟ هدف این تحقیق این است که جایگاه حیوانات و جانوران را در مثنوی مولوی مورد بررسی قرار دهد و با مشخص شدن این جایگاه، بیان کند که دیدگاه مولوی درباره آنها چیست و هر یک از این حیوانات رمز و نماد چه چیزهایی هستند. نیز از آنجایی که مولوی افکار و عقاید خود را با بهره‌گیری از نماد، هوشمندانه بیان می‌کند، با بررسی این نمادها می‌توان تا حدودی به جایگاه نماد و شیوه رمزپردازی او در این اثر گران‌قدر پی برد.

روش انجام این پژوهش، روش تحلیلی و توصیفی و براساس پژوهش کتابخانه‌ای است و با استفاده از کتاب‌های دست اول انجام گرفته است. با توجه به عنوان این مقاله - تجلی نمادین شیر در مثنوی - نگارنده پس از مطالعه دوره کامل مثنوی معنوی مولوی (به کوشش رینولد البین نیکلسون) بیت‌هایی را که در آنها شیر در معنای حیوان به کار رفته است، استخراج کرده و در ادامه، مهم‌ترین معانی نمادین آنها را ذیل عنوان «جلوه‌های نمادین شیر در مثنوی» ارائه داده است. با این توضیح که در متن، عدد سمت راست ممیز، بیانگر دفتر و اعداد سمت چپ ممیز بیانگر شماره بیت با ابیات مثنوی هستند.

در مورد پیشینه این مقاله باید گفت که شارحان مثنوی نگاهی کلی و عمومی به حیوانات داشته‌اند اما این مقاله در پی آن است تا به صورت دقیق و مشکافانه، به شیر که بسامد بسیار بالایی در مثنوی دارد، بپردازد.

## کلید واژه‌ها:

مثنوی، نماد، شیر.



دکتر احمد کریمی،

استادیار

دانشکده ادبیات و

علوم انسانی دانشگاه

آزاد چالوس

Ahmad\_Karimi1349

@yahoo.com

ایرج جمشیدی

کارشناس ارشد زبان

و ادب فارسی و دبیر

دبیرستان‌ها و مراکز

پیش‌دانشگاهی نور

بشر در مسیر کوشش‌هایش برای شناخت پیرامون خود، از تجربه، حواس و قوای عقلانی کمک می‌گیرد و پدیده‌ها را کشف و ضبط می‌کند اما وقتی از محسوسات فراتر می‌رود و در صدد شناخت اموری برمی‌آید که از حوزه حواس و تجربه او خارج‌اند، درک و بیان دشوار می‌شود. پس، برای تبیین و تفهیم آنها کم و بیش از احساس و تخیل کمک می‌گیرد و در این راه به ناچار از زبان رمز بهره می‌برد و به تبع آن، برای نشان دادن و مجسم ساختن آنچه نمی‌تواند تعریف کند یا به دیگران بفهماند، از کلمات و اصطلاحات نمادین استفاده می‌کند. در واقع، بیان بعضی مفاهیم و مصادیق با زبان عادی - که مربوط به محسوسات است - بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌نماید و گوینده ناچار می‌شود از ظرفیت‌هایی که باعث افزایش قدرت تأثیر زبان می‌شود، بهره‌برد. در نتیجه، کلام به صورت رمزی و نمادین درمی‌آید و این بیان رمزآمیز و نمادین، باعث غنای هر چه بیشتر زبان شعر می‌شود.

یکی از جنبه‌های سخن نمادین در مثنوی، به کارگیری حیوانات به جای انسان است. حیوانات و پرندگان و به طور کلی همه جانوران از آغاز پیدایش تا به امروز در فرهنگ و ادب ملت‌ها به گونه‌های مختلف بازتاب گسترده‌ای یافته و در دستاوردهای زبان و ادب و فرهنگ بشری تأثیرگذار بوده‌اند. این مقاله با هدف بررسی جنبه‌های نمادین شیور در مثنوی به نگارش درآمده است و نگارنده در صدد این بوده تا در حد توان و درک علمی خود، ابعاد مختلف معانی نمادین این حیوان را به طور مبسوط و گسترده استخراج کند و با ارائه جدول تضادها و هاله‌های تصویری، این مفاهیم را عینی‌تر و ملموس‌تر سازد.

### معنای لغوی و اصطلاحی نماد

در کتب لغت و فرهنگ‌ها معانی و مترادفات زیاد و گوناگونی برای نماد ذکر شده است. معناهایی همچون: ظاهر شدن، نمایان گردانیدن، نشان دادن و مترادفاتی چون: رمز، مظهر، نشانه، علامت، اشاره و غیره و آن را معادل واژه فرانسوی سَمْبُل (symbol) دانسته‌اند اما هیچ‌کدام از این معانی و مترادفات به‌طور دقیق و کامل معنا و مفهوم اصلی نماد را نمی‌رساند. نماد یکی از انواع صور خیال در شعر است که در چند دهه اخیر وارد عرصه علوم بلاغی شده و برخلاف استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه و تمثیل چندان توجهی به آن نشده و این در حالی است که دامنه معانی مفاهیم آن بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از صور خیال نام برده شده است. با این حال، با توجه به تعاریف متعدد و گوناگون نماد در کتب علوم بلاغی، اگر بخواهیم تعریفی مختصر و مفید از آن ارائه دهیم، باید بگوییم که نماد عبارت است از هر گفتار یا تصویری که علاوه بر معنای آشکار و صریح خود، معنای کنایی و پوشیده نیز داشته باشد.

اریک فروم معتقد است که «زبان سمبلیک زبانی است مستقل که شاید بتوان آن را تنها زبان جهانی و همگانی نژاد انسانی تلقی کرد.» (اریک فروم، ۱۳۴۹: ۳)

عوامل متعددی می‌توانند تجلی بخش نمادها باشند که یکی از مهم‌ترین آنها، طبیعت و دنیای حیوانات است. «بکر و سبز بودن طبیعت» از یک طرف و «ویژگی‌های خاص هر حیوان» از طرف دیگر، بهترین ابزار و غنی‌ترین منابع را برای نمادپردازی در اختیار شاعران و نویسندگان قرار می‌دهد و در واقع ارائه یک تصویر نمادین و رمزآمیز از اشیای طبیعی پیرامون ما، اعم از جماد و نبات و حیوان، در کار اکثر شاعران و نویسندگان، به ویژه شعرای عارف، دیده می‌شود.

### نقش حیوانات در نمادپردازی

حیوانات و جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند، همواره در ادبیات فارسی نقش‌های زیادی داشته‌اند، در واقع، یکی از کهن‌ترین عناصر به کار گرفته شده در ادبیات فارسی، استفاده تمثیلی از حیوانات است و شاعران و نویسندگان، هر حیواناتی را نماد و نشانه یک شخصیت می‌دانسته‌اند.

در نمادشناسی شعر فارسی، حیوانات جزء مهمی از نمادها را به خود اختصاص داده‌اند ولی متأسفانه کمتر به آنها توجه شده است. با مراجعه به غارنگاشته‌هایی که از انسان‌های اولیه و دوران قدیم به یادگار مانده است، می‌توان دریافت که حیوانات در پرداخت مفاهیم ذهنی انسان همواره نقش مهمی بر عهده داشته‌اند. بسیاری از این نقاشی‌ها پاراز جنبه هنری فراتر نهاده و مفاهیمی را به ذهن القا می‌کنند که در حوزه نمادها قابل بحث و بررسی است.

در ادبیات فارسی داستان‌ها و افسانه‌های فراوانی مربوط به حیوانات در قالب نظم و نثر بیان شده است که در بیشتر آنها حیوانات به زبان انسان‌ها سخن می‌گویند. به این گونه داستان‌ها در اصطلاح «فابل» می‌گویند که «غرض از آنها نوعی داستان تمثیلی و استعاری است که جانوران و پرندگان و گیاهان و جز آنها در نقش انسان ظاهر می‌شوند.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۲۴۱)

### شخصیت‌پردازی حیوانات در آثار مولوی

شاعران و نویسندگان در دوره‌های مختلف، حیوانات را نماد شخصیت‌های متفاوت دانسته‌اند. در ادبیات آنچه باعث شکل‌گیری نقشی خاص برای یک جانور می‌شود، تخیل انسان و رفتارهای خاص منتسب به آن جانور است.

از شیوه‌های خاص مولانا در نقل حکایات و آموزه‌های اخلاقی این است که شخصیت‌های داستان‌های وی در نقش‌های مثبت و منفی خود ثابت باقی نمی‌مانند بلکه به مناسبت ایراد نکات و پیام‌های اخلاقی شخصیت‌ها و نقش‌ها نیز تغییر می‌کند.

یکی از جنبه‌های سخن نمادین در مثنوی، به کارگیری حیوانات به جای انسان است

از شیوه‌های خاص مولانا در نقل حکایات و آموزه‌های اخلاقی این داستان‌های شخصیت‌های نقش‌های وی در منفی خود ثابت باقی نمی‌مانند بلکه به مناسبت ایراد نکات و شخصیت‌ها و نقش‌ها نیز تغییر می‌کند

در این مکان، یکی از ابزارهای رسیدن به چنین مقصودی استفاده از حیوانات داستان‌هایی به زبان حیوانات است. استاد پورنامداریان در این مورد می‌گوید:

«شخصیت داستان‌های مولوی، خواه انسان باشد خواه حیوان - به نمایندگی انسان - معمولاً نماینده گروه و صنف خود هستند و مولوی از طریق گفت‌وگوها، شخصیت آنها را چنان تصویر می‌کند که بیش و کم نمونه کلی افراد گروه و صنف خود می‌شود و اگر خواننده، تجربه‌ای از شناخت آن نوع شخصیت‌ها که در داستان مطرح می‌شود داشته باشد، شابهتی عجیب میان نمونه کلی و مصادیق ذهنی و تجربی خود احساس می‌کند. از همین روی از طریق آثار مولوی می‌توان با احوال و روحیات مردم عصر او و گرفتاری‌ها و گذران زندگی و کنش‌ها و واکنش‌های آنان - که نمونه‌های آن را چه بسا در عصر خود نیز می‌بینیم - آشنایی پیدا کرد.» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۲۸۹)

#### شیر:

«شیر پستانداری است عظیم‌الجثه و قوی از راسته گوشت‌خواران، جزو تیره گربه‌ها که دارای چنگال‌های قوی و قدرت عضلانی بسیار و فکین نیرومند است. این پستاندار مخصوص نواحی گرم قاره قدیم است ولی امروزه تقریباً منحصر به آفریقای مرکزی است. نوع نر این پستاندار در اطراف سر و گردن دارای یال انبوه است.» (معین، ۱۳۷۵: ۲۱۰۳)

«شیر، سببی عظیم است و قاهر، بر همه حیوانات غالب و هر حیوانی کی وی را دید، آوازش منقطع گردد و بترسد... و دلبری شیر به حدی بود کی یک مردی را ببند یا لشکری، پیش وی یکی بود، بنگریزد تا ظفر یابد یا هلاک شود.» (طوسی، ۱۳۴۵: ۵۷۱)

«عمده‌ترین مضمون داستان‌هایی که در آن شیر اهمیت می‌بخشد، کرامات صوفیان در رام کردن شیران است که به کرات و با بیان‌های گوناگون به اشخاص مختلف نسبت داده شده است. برخی از این داستان‌ها مربوط به محافظت شیران از اولیاءالله است.

مطابق اساطیر ایرانی، اولین کسی که شیر را مطیع ساخت، «فریدون» و اولین کسی که قصد شکار شیر کرد، «هوشنگ» بود. در متون ادب فارسی هر جا که از شیر سخن به میان آمده، به دو موضوع عمده پرداخته شده است؛ اینکه شیر مستقیماً با تاج و تخت شاهی مرتبط دانسته شده و دیگر داستان‌های متعدد مربوط به شکار شیر است. بن‌مایه و هدف نهایی این هرگونه داستان، نشان

دادن زور و شجاعت ممدوح است که با غلبه بر قوی‌ترین نمونه ممکن، یعنی شیر، بروز می‌یابد.

علاوه بر مفهوم شجاعت و دلوری، گاه گیتی و مرگ را نیز به شیر تشبیه کرده‌اند. همچنین برای نشان دادن امنیت، صلح میان شیر و سایر حیوانات شکار شونده، از تصاویر رایج در متون ادب فارسی بوده است. «(عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۵۶)

شیر، که آن را سلطان جنگل می‌نامند، در فرهنگ‌ها مجازاً معنای شجاعت و مردانگی می‌دهد. مولانا بن‌مایه شجاعت را در هم شکستن قدرت باطنی نفس می‌داند که شجاعت ظاهری، سایه و مظهری از آن به شمار می‌رود. شیر در بسیاری از حکایت‌های مثنوی به کار رفته و همانند سایر حیوانات در هر داستانی نماد امر خاصی است و از جمله حیواناتی است که شخصیتی غیر ثابت، متفاوت و بعضاً متضاد دارد. شیر نماد عارفان حقیقی، رمز شجاعت و سمبلی برای زورمندان دنیایی و همچنین نماد نفس آماره و شهوت، عقل جزئی، انسان‌های گرفتار نفس و ... است.

مولانا ۳۱۶ بار لفظ شیر - در معنای حیوان معروف - را در مثنوی به کار برده است. او علاوه بر معنای حقیقی و قاموسی این کلمه، معانی و مفاهیم نمادین متعددی از آن گرفته است که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

#### جلوه‌های نمادین شیر در مثنوی

- ۱- نماد اولیاءالله و مردان حق و عارفان بالله: مولانا در بسیاری از ابیات مثنوی شیر را در معنای رمزی اولیاءالله و عارفان حق به کار برده است: هر که باشد در پی شیر حراب کم نیاید روز و شب او را کباب (۳۰۸۹/۱) چون گرفتی عبرت از گرگ دنی پس تو روبه نیستی شیر منی (۳۱۷۹/۱) در پناه شیر کم ناید کباب روبه تو سوی جیفه کم شتاب (۲۲۷۸/۳)
- همچنین ابیات ۲۹۳۸/۱، ۱۴۳۷/۲، ۲۵۹۳/۳، ۴۰۴۵/۳، ۴۰۹۳/۵، ۳۸۷۴/۵، ۲۹۶۱/۵، ۳۸۱۹/۴، ۳۴۵۰/۴، ۴۲۱/۴، ۱۶۳۴/۶، ۱۸۷۶/۶، ۱۸۷۷/۶
- ۲- مولانا در چندین بیت شخصیت‌های مذهبی و بزرگ علمی را به شیر تشبیه کرده و در واقع شیر را نماد حضرت حق، پیامبر اکرم(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت یوسف(ع)، حضرت نوح(ع)، بازید، ایاز، هلال و نیز نماد خودش آورده است.

ادامه مطلب در وبگاه نشریه